

پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی امنیت اقتصادی در حقوق اسلامی با نگاهی به سیره ائمه

۱. صالح رسولی راد: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۲. محمدعلی خیراللهی*: استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. پست الکترونیک:

Dr.kheirollahy@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. مهدی محمدیان امیری: استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

چکیده

مطالعه درباره امنیت، مقوله‌ای سهل و ممتنع است؛ سهل از اینرو که افراد نسبت به آن علم حضوری دارند و ممتنع از اینرو که معانی، ابعاد و ارکان مختلفی را شامل می‌شود که تا حدودی ناشناخته است. یکی از مسائل امنیت، امنیت اقتصادی است که مرجع و راهکارهای تحقق آن همواره مورد بحث قرار گرفته است. یکی از ارکان امنیت، صیانت از آن است. در این مقاله، امنیت اقتصادی در پرتوی فقه امامیه به روش توصیفی بررسی شده است و به این نتیجه رسیده‌ایم که فقه به امنیت اقتصادی توجه نشان داده و اقسامی از قواعد فقهی را برای صیانت از امنیت اقتصادی بیان کرده است که شامل موارد زیر می‌شود: ۱. قواعدی که تعرض به امنیت اقتصادی افراد را منع کرده است. ۲. قواعدی که بر امنیت اقتصادی افراد تأکید کرده است. ۳. قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را محدود کرده است. ۴. قواعدی که ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد است. این مقاله به اختصار به بیان این قواعد پرداخته و به دنبال تحقق امنیت اقتصادی در پایبندی به این قواعد فقهی در جامعه اسلامی است.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، فقه امامیه، قواعد فقه.

رسولی راد، صالح، خیراللهی، محمدعلی، و محمدیان امیری، مهدی. (۱۴۰۲). بررسی امنیت اقتصادی در حقوق اسلامی با نگاهی به سیره ائمه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۴(۴)، ۸۲-۹۳.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



امنیت یکی از نیازها و ضرورت‌های جوامع بشری در تمام اعصار است (اخوان کاظمی، ۲۰۰۳، ص. ۶۱). این نیاز در اندیشه اسلامی نیز به‌عنوان یکی از ضروری‌ترین و بزرگ‌ترین نعمت‌های مادی و معنوی برای حیات فردی و اجتماعی مطرح شده است. امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات با مشتقاتی از ثلاثی مجرد "امن" آمده است. معمولاً این مفهوم را به معنای اطمینان و آرامش در برابر خوف تعریف و ترجمه کرده‌اند و به‌طور گسترده به آن اشاره شده است (اخوان کاظمی، ۲۰۰۳، ص. ۶۱). در مطالعات علمی امروز، امنیت یکی از موضوعاتی است که در شاخه‌های متعدد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی، نظامی و اقتصادی مورد پژوهش قرار می‌گیرد. بحث ما ناظر به بعدی از امنیت است که می‌تواند مانند ریلی برای تأمین دیگر ابعاد امنیت مفید واقع شود و آن، امنیت در بعد اقتصادی است.

امروزه برای امنیت چهار رکن در نظر گرفته می‌شود: ۱. امنیت از چه چیزی (منبع تهدید امنیت)، ۲. امنیت با چه چیزی (منبع تأمین امنیت)، ۳. امنیت برای چه چیزهایی (موضوع امنیت)، و ۴. امنیت برای چه هدفی (مرجع امنیت) (محقق داماد، ۲۰۱۳، ص. ۵۷). کانون اصلی مطالعات امنیتی معطوف به مرجع امنیت است و انواع مختلفی برای آن در نظر گرفته می‌شود. مرجع امنیت از حیث سطح می‌تواند فرد (امنیت فردی)، جامعه (امنیت عمومی)، کشور (امنیت ملی) یا محیط بین‌المللی (امنیت بین‌المللی) باشد. از حیث موضوع و ابعاد نیز می‌تواند ناظر به امور نظامی (امنیت نظامی)، اقتصادی (امنیت اقتصادی)، فرهنگی (امنیت فرهنگی)، اجتماعی (امنیت اجتماعی)، سیاسی (امنیت سیاسی) یا زیستی (امنیت محیط‌زیست) باشد (موسوی بجنوردی، ۲۰۱۰، ص. ۶۲).

دانش فقه به تعیین مسیر زندگی واقعی انسان بر اساس مصالح و منافع واقعی و با اقتضای آفرینش می‌پردازد و بر این اساس است که فقه، نیاز به امنیت را همچون دیگر نیازهای ضروری بشر در نظر گرفته و در تمام ابعاد و جوانب آن کارایی دارد. با توجه به حریم بحث ما درباره تحقق این مهم در حقوق جمهوری اسلامی ایران، ناگزیر به استنباط آن از فقه امامیه برای ارائه یک پایه قابل قبول و شایسته برای حکومت ایران اسلامی هستیم.

چنانکه گفته شد، اگر امنیت را از نیازها و ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی و از همه مهم‌تر اقتصادی بدانیم، فقه امامیه باید درصدد کارشناسی و تدقیق پیرامون آن باشد. یکی از دلایلی که بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید، این است که در شرایط کنونی کشور، یکی از دغدغه‌های کارگزاران نظام، تأمین بهینه معیشت مردم و حفظ امنیت اقتصادی آن‌ها است.

مطالعه مرجع امنیت در هر یک از سطوح و ابعاد و تقدم و تأخر هر یک از آن‌ها، نیازمند مبنای فکری است تا بتوان با اتکا به آن، الگویی تحقق‌پذیر را برای جامعه تبیین کرد. این یکی از ضرورت‌های این مطالعه است. بر این اساس است که برای امنیت اقتصادی با تکیه بر فقه امامیه و در قالب الگویی منبعت از قواعد فقهی، می‌توان به مراجع تأمین‌کننده آن پیشنهادهایی داد (جهانبزرگی، ۲۰۱۸، ص. ۱۱۷). بر اساس آنچه گذشت، هدف اصلی این پژوهش بررسی مقوله امنیت اقتصادی از منظر فقه امامیه است. این پژوهش ضمن تعریف امنیت و ابعاد و عناصر و انواع آن، مرجع امنیت اقتصادی را شرح می‌دهد و قواعدی را که فقهای شیعه برای گسترش امنیت اقتصادی ارائه داده‌اند، بیان می‌کند.

پرسش اصلی این مقاله این است که مقوله امنیت اقتصادی از منظر فقه امامیه با تأکید بر قواعد فقهی چیست؟ پرسش فرعی نیز می‌تواند این‌گونه مطرح شود که اقسام متعدد قواعد فقهی که روابط اقتصادی را در قالبی متنقن به تصویر می‌کشند، کدام‌اند؟ این قواعد چه قبض و بسطی در تدوین احکام اقتصادی برای تحقق امنیت اقتصادی دارند؟

پیشینه تحقیق

امنیت انسانی، از مفاهیمی است که در تلاش برای فراتر رفتن از مفهوم سنتی امنیت و امنیت ملی مطرح شده است. در تعریف امنیت انسانی، اجماع نسبی بر سر تعریفی نسبتاً جامع از آن وجود دارد که شامل حراست از هسته حیاتی تمامی افراد بشر در مقابل تهدیدات شایع، سازگار با کمال و شکوفایی بلندمدت انسان‌ها می‌باشد. در نوشتار حاضر، تفاوت امنیت انسانی با مفاهیم نزدیکی چون امنیت فردی، توسعه انسانی، حقوق بشر و توسعه پایدار بررسی می‌شود و در ادامه، استراتژی‌های تحقق امنیت انسانی یعنی دو استراتژی حراستی و توانمندسازی مورد مطالعه و شرح قرار می‌گیرد. طرح و توضیح ایده امنیت انسانی، هم در بعد تئوریک و هم به لحاظ سیاست‌گذاری حائز اهمیت است. از منظر تئوریک، راهگشایی و افق‌گشایی آن در نگرش جامع‌تر و کامل‌تر به مقوله امنیت، قابل توجه است. به لحاظ سیاست‌گذاری نیز می‌تواند در تدوین استراتژی، تعیین (مجدد) اولویت‌ها و جابه‌جایی بعضی از آن‌ها، اهمیت یافتن ابعاد نرم‌افزاری در کنار ابعاد سخت‌افزاری، تقویت جامعه و نهادهای مدنی و توجه به توزیع عادلانه‌تر منابع دخیل باشد (محمدعلی قاسمی، ۲۰۰۵).

زارع شاهی (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «...» به رابطه میان ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی اشاره دارد و اینکه ثبات سیاسی مقدمه ضروری و لازم برای نیل به امنیت اقتصادی است. اخوان کاظمی (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی»، به بررسی منابع قرآنی و روایی و بیان مفهوم متطور و پیچیده امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین آن می‌پردازد. با مطالعه تحقیقات حوزه امنیت اقتصادی این نتیجه به دست آمد که پژوهشی که راهکارهای فقهی امنیت اقتصادی را بررسی کرده و از این منظر به امنیت اقتصادی پرداخته باشد، وجود ندارد. از این رو، در این تحقیق به دنبال بررسی راهکارهای فقهی امنیت اقتصادی از قواعد فقه امامیه هستیم و با این قواعد، بایدونبایدهای اقتصاد جامعه اسلامی برای تحقق امنیت اقتصادی را ترسیم می‌کنیم.

ادبیات نظری

تعریف امنیت

امنیت از حیث لغوی معادل "Security"، "الامان" و "امن" است. عالی‌ترین هدف امنیت، چگونگی ایجاد امنیت و مقابله با عوامل تهدیدکننده آن و بسط عوامل تأمین‌کننده امنیت یا راهبرد امنیتی هر کشور در دگرترین امنیت ملی کشورهای مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به این معنا که هر کشوری با توجه به منابع تهدیدکننده امنیت و منابع و امکانات موجود برای تأمین آن، بهترین و مناسب‌ترین سازوکار را برای ایجاد امنیت اتخاذ می‌کند (جهانبان، ۲۰۱۶، ص. ۲۷). درباره امنیت، مواردی چون موضوع امنیت، متعلق امنیت و عوامل رفع تهدید امنیت در سیاست‌های امنیتی بررسی می‌شود. به عبارت دیگر، چگونگی ایجاد امنیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. امنیت اقتصادی به معنای راهکارهای ایجاد محیط امن برای فعالیت‌های اقتصادی بدون نگرانی از تضییع سرمایه اولیه و تبعیض در بهره‌مندی از امکانات اقتصادی کشور است (جهانبزرگی، ۲۰۱۸، ص. ۸۰).

انواع امنیت

امنیت از جنبه‌های مختلف به صورت زیر تقسیم می‌شود:

- امنیت از حیث قلمرو که به امنیت داخلی و خارجی تقسیم می‌شود.
- امنیت از حیث سطح که به امنیت فردی، عمومی، ملی و بین‌المللی تقسیم می‌شود.
- امنیت از لحاظ رویکرد که به امنیت سلبی (نبود تهدید) و امنیت ایجابی (ایجاد شرایط مناسب) تقسیم می‌شود.
- امنیت از حیث موضوع یا کارکرد که با توجه به تقسیم‌بندی رایج به شش دسته امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی تقسیم می‌شود (روزبه، ۲۰۱۸، ص. ۶۱).

امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی از سال ۱۹۴۵ مورد توجه نظام‌های سیاسی قرار گرفت و با پایان جنگ سرد به آن توجه بیشتری شد. دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، به دنبال راه‌های جدید برای ورود موضوعات اقتصادی در راهبردهای سنتی دفاعی بودند؛ همچنان‌که بسیاری از کشورهای جهان سوم از شعار تأمین اقتصادی برای اصلاح موقعیت نامساعد خود بهره گرفته‌اند و می‌گیرند. در عرصه بین‌المللی، استفاده از امکانات اقتصادی به‌عنوان اهرمی کارساز، هم باعث آسیب‌پذیری بیشتر دولت‌ها و هم سبب رشد افزون‌تر اهمیت موضوع امنیت اقتصادی شده است؛ زیرا با جهانی‌شدن اقتصاد و افزایش همبستگی اقتصادی واحدها، دولت‌ها بیش از هر زمانی برای تأمین نیازهای خود به یکدیگر وابسته هستند (کاظمی، ۲۰۰۸).

در میان این تعاریف، می‌توان گفت رویکرد اسلامی به امنیت اقتصادی چیزی فراتر از این‌ها است. اسلام معتقد است که مسئله اقتصاد مادی است، اما رابطه مستقیمی با آرامش جامعه دارد که موجب می‌شود نگاه به امنیت اقتصادی تنها اقتصادی یا سیاسی نباشد، بلکه با نگاهی مرکب از سیاست، اقتصاد و اجتماع بدان پرداخته شود. بیگدلو امنیت را به دلیل اینکه دایره مفهومی گسترده و مفصلی دارد، با مفهوم بنیادی «الگوی سبک زندگی» بیان می‌کند. به تعبیر ایشان، اجرا و پایبندی به این الگو که ساحت‌های مختلف زندگی اجتماعی را دربر می‌گیرد، به معنای وجود امنیت است. به عبارتی، در هستی‌شناسی (چیستی) امنیت باید به «اجرا و پایبندی به الگوی سبک زندگی» اشاره شود (بیگدلو، ۲۰۱۵). به تعریف شهید مطهری، اقتصاد سالم یعنی «اقتصادی که جریان ثروت و منابع اولیه به نحوی باشد که بر ثروت که یگانه وسیله مادی و پایه‌ای از پایه‌های زندگی است، بیفزاید و قدرت ملی را در تحصیل وسایل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند». طبق تعاریف پیش‌تر اشاره شده، امنیت اقتصادی به معنای حمایت از سطح پذیرفتنی ثروت و قدرت است که در بیان شهید مطهری، همین مفهوم در واژه اقتصاد سالم بیان شده است. آنچه نظر اسلام را فراتر از نظره‌های دیگر اندیشمندان می‌کند، این است که امنیت اقتصادی فقط حول محور حمایت از وضعیت موجود و ثبات اقتصادی نیست، بلکه مفهوم امنیت اقتصادی با «حیات و قابلیت رشدونمو ثروت» و با «تضاعف قدرت اقتصادی» در کنار «قائم به ذات و بی‌عیب و غیرقائم به غیر» بودن تعریف می‌شود (مطهری، ۲۰۱۰، ص. ۱۰۸).

می‌توان استنتاج کرد که امنیت اقتصادی - یا همان شرایط حیاتی اقتصادی - عبارت است از برقراری نظم میان عوامل اساسی تهیه نیازهای معیشتی انسان، یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه؛ به‌طوری‌که نیازهای ضروری آن‌ها تأمین شود و آن‌ها از نبود یا حتی احتمال نبود این ضروریات احساس خطر نکنند و آرامش و آسایش آن‌ها سلب نشود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصادی درست و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است. به‌عبارت‌دیگر، امنیت اقتصادی به‌طور ساده عبارت است از اینکه مردم در اموالشان امنیت داشته باشند و دولت با عدل و انصاف از آن‌ها مالیات اخذ کند، احتکار در میان نباشد و قیمت‌ها متعادل باشد (جهانبزرگی، ۲۰۱۸، ص. ۵۱).

قواعد فقهیه

درباره قواعد فقهی و تعریف آن مباحث گوناگونی مطرح شده است. شیخ انصاری در مبحث استصحاب به مناسبت اینکه آیا استصحاب قاعده فقهی است یا اصولی، تعریفی از قاعده فقهی ارائه می‌دهد. ایشان معتقد است که قاعده فقهی، قاعده‌ای است که اجرای آن میان مجتهد و مقلد مشترک است، برخلاف قاعده اصولی که مختص به مجتهد است (مدنی تبریزی، ۱۴۰۳، ق، ص. ۱۱۲).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز قواعد فقهیه را این‌گونه تعریف می‌کند: "ان القواعد الفقهیه هی احکام عامه فقهیه تجری فی ابواب مختلفه و موضوعاتها" (مکارم شیرازی، ۱۹۹۱، ص. ۵۶).

مفهوم امنیت اقتصادی در قواعد فقهیه

در قرآن کریم، ایمان یا امنیت معنوی ضامن تأمین همه وجوه امنیت، از جمله امنیت اقتصادی و زیربنای آن است. در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت ایمان باشد، بنا به آیه شریفه ۱۱۲ سوره نحل، «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»، سرزمینی امن معرفی شده است.

حتی در سوره فیل نیز به متنی واضح و نعمتی آشکار اشاره می‌شود که نمی‌توان آن را انکار کرد، یعنی تأمین معاش قریش و امنیت آنان، که پیشتر در سرزمینی زندگی می‌کردند که نه نانشان تأمین بود و نه جانانشان و نه سرزمینی حاصلخیز بود که دیگران بدانجا آیند و نه جان دیگران در آنجا تأمین می‌شد. پس باید ربی را بپرستند که اینچنین به بهترین وجه امورشان را تدبیر و امنیتشان را تأمین کرد و او همان رب بیت است (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۲۰، ص. ۶۳۱).

خداوند برای الگو و مثال، قریه مؤمن را مثال می‌زند که امن، آرام و مطمئن است و همواره روزیش به‌طور وافر از هر مکانی می‌رسد. یکی از مصادیق مهم واژه‌هایی مانند "نعمت"، "نعیم" و "برکات" در قرآن، امنیت است که نصیب مؤمنان و ایمان‌آوردگان می‌شود. برای مثال، علامه طباطبایی در بحث از آیه شریفه ۹۶ سوره اعراف، «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»، به این معنا اشاره می‌کند و می‌نویسد برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص. ۲۵۲).

امنیت اقتصادی در دو جنبه سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. جنبه سلبی آن عبارت است از مصونیت افراد از تعرض و تجاوز به حقوق اقتصادی مشروعشان و جنبه ایجابی آن عبارت است از ایجاد بسترهای لازم برای امکان تحقق آزادانه اهداف و خواسته‌های اقتصادی مشروع تمام افراد جامعه.

از آنجاکه این پژوهش به مطالعه قواعد فقهیه می‌پردازد، می‌توان قواعدی را یافت که این وجوه سلبی و ایجابی را دربردارد. به این معنا که قواعد فقهی مربوط به حوزه اقتصاد جامعه را بر اساس این دو جنبه می‌توان در چهار دسته مورد مطالعه قرار داد:

- قواعدی که تعرض به امنیت اقتصادی افراد را منع می‌کند.
- قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را مورد تأکید و تضمین قرار می‌دهد.
- قواعدی که امنیت و آزادی اقتصادی افراد را محدود می‌کند.
- قواعدی که ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد است.

برای تبیین این موارد، به بررسی آن‌ها و قواعدی که در هر دسته قرار می‌گیرد، پرداخته می‌شود.

الف. قواعدی که تعرض به حقوق اقتصادی افراد را منع می‌کند (وجه سلبی)

قاعده لاضرر

معرفی قاعده: یکی از قواعد معروف فقهی که در مباحث مختلف فقه و حقوق آثار فراوانی دارد، قاعده «لاضرر» است. درباره مفهوم این قاعده اختلاف نظر فراوانی وجود دارد، اما به اجمال می‌توان گفت که با توجه به این قاعده، ضرر در اسلام مشروعیت ندارد. به این معنا که هم حکم ضرری در اسلام وضع نمی‌شود و هم اینکه در مقام عمل کسی نباید به دیگری ضرری وارد سازد. زیان به امنیت افراد همواره مورد نهی و حتی مجازات اسلامی قرار گرفته است و امنیت اقتصادی نیز، با توجه به اهمیت بسیاری که برای فرد و جامعه دارد، با توجه به این قاعده بسیار مهم است و خدشه به آن مورد نهی فقه قرار گرفته است (محقق داماد، ۲۰۱۳، ص. ۱۵۰).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: قاعده لاضرر با تحدید اضرار چه در ناحیه ارائه خدمات اقتصادی و چه در سمت و سوی بهره‌مندی از خدمات، هرگونه مکر و حيله در کسب سود را از ناحیه بايع و مشتری ممنوع و ضرر و زیان حاصل از سوءرفتار را در فعالیت‌های اقتصادی تحریم کرده است. معامله‌ای که فرد خاطی با به‌کار بستن حیل و قصد اضرار به طرف مقابل منعقد کرده است، فاسد اعلام و فرد مسئول را ملزم به جبران خسارات حادث شده می‌کند. این کار اطمینان دو طرف معاملات را افزایش می‌دهد و موجب تأمین امنیت اقتصادی می‌شود.

قاعده احترام مال و کار مسلمان

معرفی قاعده: یکی از قواعد کلیدی، پرکاربرد و عام در حوزه مسائل اقتصاد اسلامی، قاعده احترام است. مقصود از این قاعده این است که مال مسلمان و نیز ثمره کار او باید از تصرف مجانی و تعدی غیر، مصون باشد. برخی فقها این نکته را یادآور شده‌اند که احترام مال مسلمان از دو جنبه است. نخست اینکه، متعلق این مال، فرد محترم است و دوم اینکه، نفس مال محترم است و نباید هدر رود، اما برخی دیگر از محققان، احترام آن را فقط به خاطر مضاف‌الیه آن (مسلمان) می‌دانند. آنچه مدنظر فقه امامیه قرار دارد، احترام مال و کار هر فرد به معنای عام و فراگیر و بدون قید است (جهانبزرگی، ۲۰۱۸، ص. ۷۲).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: این قاعده فقهی بیشتر جنبه اخلاقی و معنوی دارد و از مواردی است که در قانون‌گذاری اقتصادی باید مدنظر قانون‌گذار باشد؛ زیرا احترام به مال و کار مسلمان از آموزه‌های مورد تأکید دین مبین اسلام و فقه اهل‌بیت عصمت و طهارت است. چنانچه شخصی احترام به مال و کار فرد مسلمان را رعایت نکند، به نوعی ضرر بر مال و کار او وارد کرده که منجر به تضییع حق فرد مسلمان می‌شود و امنیت اقتصادی و مالی افراد را به طریق اولی مخدوش می‌کند. عدم پایبندی به این نکته، فعالیت اقتصادی و ثمره آن را ناامن می‌سازد. از این‌رو، احترام به کار و فعالیت اقتصادی مسلمانان و ضرورت برخورد قضایی با پایمال‌کنندگان آن، یکی از ارکان اصلی تحقق امنیت اقتصادی جامعه است.

قاعده کلما بطل العقد یتحقق اجر المثل

معرفی قاعده: این قاعده که در واقع، از تجلیات و زیرشاخه‌های قاعده احترام است، به این معناست که چنانچه معلوم شود عقدی از ابتدا باطل بوده است، اما طرفین با توجه به مفاد آن اقدامی انجام داده‌اند، مستحق اجرت‌المثل آن خواهند بود. برای مثال، اگر عقود مانند اجاره، مضاربه، جعاله و مانند آنها به هر دلیلی دچار بطلان شوند، هر یک از طرفین که تا پیش از کشف بطلان عقد، از مال یا کار دیگری منتفع شده است، باید به همان میزان هزینه آن را بپردازد؛ زیرا هم مال و هم کار مسلمان محترم است و نمی‌توان به بهانه بطلان عقد و اجرت‌المسمی، زحمات او را نادیده گرفت. تدقیق در این قاعده مبین این مهم است که امنیت اقتصادی افراد، که بخشی از آن تضمین اجرت‌المثل و حق‌الزحمه افراد است، باید تحت هر شرایطی محفوظ باشد (موسوی بجنوردی، ۲۰۱۰، ص. ۲۱۸).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: مشابه اصول ارائه‌شده در قاعده احترام به مال و کار فرد مسلمان، این قاعده نیز نکته‌ای را در تحقق امنیت اقتصادی لحاظ می‌کند و آن این است که در صورت بطلان معاملات، برای جلوگیری از ضرر به افراد متعامل، لزوم تسلیم اجرت آن کار برای افراد دخیل در معامله، اطمینان خاطر و امنیت را برای فعالیت اقتصادی به ارمغان می‌آورد و این تضمین را به همراه دارد که اجرت افراد محفوظ بوده و بالتبع، امنیت در اقتصاد را نیز به دنبال خواهد داشت.

قاعده وجوب التخلیه بین المال و مالک

معرفی قاعده: این قاعده نیز که از سویی به قاعده احترام بازگشت می‌یابد، به این معناست که اگر فردی به هر نحو بر مال دیگری بدون اذن و رضایت او استیلا یابد، واجب است از تصرف در آن اجتناب و از آن رفع ید کند تا مالک بتواند در مال خود تصرف مالکانه کند و مانعی برای استمرار استیفای او موجود نباشد (هاشمی شاهرودی، ۲۰۱۰، ج ۲، ص. ۵۰۳).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: قاعده مطرح شده اطمینان‌خاطری برای افرادی است که مال خود را بدون رضایت و طیب خاطر و بنا بر دلایلی از دست داده‌اند و درصدد استیلا بر آن هستند. این قاعده با الزام به عودت مال از ید غاصب به مالک اصلی و همچنین منع قانونی تصرف در آن توسط غاصب، این اطمینان را می‌دهد که مال مسلمانان در امنیت کامل و از استیلاي اجانب محفوظ است.

ب. قواعد ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد

یکی از مفصل‌ترین و مبسوط‌ترین مباحث فقهی، مباحث مربوط به ضمان و انواع مختلف آن است. از منظر مطالعات امنیتی، قواعدی را که به نوعی به ضمان مربوط می‌شود، می‌توان قواعدی دانست که با هدف صیانت از حقوق اقتصادی مشروع افراد از تعرض دیگران وضع شده‌اند. ضمان بر سه قسم است: ۱. ضمان عقدی، ۲. ضمان قراردادی که به آن مسئولیت قراردادی نیز گفته می‌شود، ۳. ضمان قهری که به آن مسئولیت مدنی می‌گویند. در این بخش به قواعدی اشاره می‌شود که مبین نگاه عمیق فقه تشیع به تضمین امنیت و حقوق اقتصادی افراد است (کاتوزیان، ۲۰۰۳، ج ۱، ص. ۷۴).

قاعده ضمان ید یا علی الید

معرفی قاعده: به عقیده فقها، مقتضای اولیه تصرف یا استیلا بر مال دیگری این است که متصرف در مقابل مالک، ضامن است؛ یعنی افزون بر اینکه مکلف به بازگرداندن عین در زمان بقای آن است، اگر مال مذکور تلف یا نقص و خسارت به آن وارد شود، باید از عهده خسارت واردشده نیز برآید (ایروانی، ۲۰۱۲، ص. ۱۳۵).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: این قاعده فقهی معرف این مسئله است که تا زمانی که مالی در ید فردی است، مسئولیت آن مال عاریه‌ای با فرد متصرف است و به تبع جبران خسارات احتمالی نیز بر عهده اوست. این نکته خود مساعد مقوله امنیت اقتصادی است و اطمینانی به صاحبان مال در کشور می‌دهد.

قاعده الغرور

معرفی قاعده: این قاعده به این معناست که اگر از شخصی، کار یا کلامی صادر شود که باعث فریب و در نتیجه، ضرر دیگری شود، فرد غار مسئول جبران خسارت فرد مغرور است.

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: هر یک از طرفین معامله که به دلیل انجام فعلی سبب ضرر و مغرور شدن طرف مقابل شود، مسئول جبران خسارت وارده است؛ زیرا فعل او یکی از علل اخلال در امنیت اقتصادی است. با لحاظ این قاعده و وضع قوانین جزایی حول محور آن، می‌توانیم تا حدودی در تحقق امنیت اقتصادی گام برداریم.

قاعده اتلاف

معرفی قاعده: این قاعده نیز از قواعد مشهور فقهی و یکی از مهم‌ترین قواعد است و به این معناست که هرکس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند، ضامن صاحب مال است (محقق داماد، ۲۰۱۳، ص. ۸۱).

جایگاه این قاعده در تحقق امنیت اقتصادی: این قاعده، ضمانت جبران ضرر ناشی از اتلاف مال را برای فرد مسبب بیان می‌کند و لزوم جلب رضایت فرد متضرر را نشان می‌دهد که از مصادیق تحقق امنیت فعالیت اقتصادی است.

پ. قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را مورد تأکید و تضمین قرار می‌دهد

در این بخش به وجه ایجابی امنیت اقتصادی افراد پرداخته و قواعدی را بررسی می‌کنیم که بر سلطه و اختیار انسان بر امور اقتصادی‌اش تأکید می‌کنند و آن را به رسمیت می‌شناسند.

قاعده تسلط یا سلطنت

معرفی قاعده: این قاعده به این معناست که هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی داشته باشد و هیچ‌کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفاتش منع کند (محقق داماد، ۲۰۱۳، ص. ۲۲۶).
چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: تأکید قاعده بر مبارزه و مقابله با افرادی است که تسلط مالکان و متصرفان قانونی و شرعی اموال را مخدوش یا حتی در مواردی سلب یا سد می‌کنند. به تعبیر دقیق‌تر، این قاعده امنیت مال افراد را زیر پا نمی‌گذارد و لزوم مراعات حق تسلط افراد بر مال خود و احترام به تصرفات آنها را تأکید می‌کند. همچنین، پرهیز از دخل و تصرف در این حق، خود یکی از موارد تأمین امنیت اقتصادی است.

قاعده اسقاط

معرفی قاعده: اسقاط به معنای گذشتن شخص از حقی است که بر دیگری دارد یا فارغ کردن ذمه بدهکار از حقی که بر ذمه اوست، برای همیشه. به عبارت دیگر، اسقاط عمل حقوقی یک‌جانبه‌ای است که به موجب آن، صاحب حق از حق خویش صرف‌نظر و چشم‌پوشی می‌کند و نقطه مقابل انتقال حق است (بحرالعلوم، ۲۰۰۸، ج ۱، ص. ۱۵).
چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: این قاعده به افراد اطمینان می‌دهد که در صورت اسقاط حق خود با طیب خاطر و به صورت منجز، دخل و تصرف در آن حق توسط افراد دیگر مباح و صحیح است و هیچ‌گونه عوارض و عواقبی نخواهد داشت. البته، تصرفات قبل از اعلام اسقاط نامشروع و خلاف قانون است.

قاعده اعراض

معرفی قاعده: اعراض به معنای رفع ید از ملک و صرف‌نظر کردن از آن یا سلب مالکیت از خود بدون انتقال آن به دیگری است.
چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: این قاعده مشابه قاعده اسقاط است و به افراد اطمینان می‌دهد که در صورت اعراض و صرف‌نظر کردن از حق خود، تصرف در آن حق توسط دیگران بدون اشکال است. البته، اعراض باید با طیب خاطر و به صورت منجز باشد و تصرفات پیش از اعلام اعراض نامشروع و خلاف قانون است.

قاعده اقرار

معرفی قاعده: بر اساس این قاعده، مقتضای سلطنت یک فرد بر اموالش این است که بتواند هرگونه اقراری به ضرر خود بر این اموال انجام دهد. بر اساس ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی، «اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود». بنابراین، «هرکس اقرار به حقی برای غیر کند، ملزم به اقرار خود خواهد بود» (ماده ۱۲۷۵ قانون مدنی) (شبیری زنجانی، ۱۹۹۱، ص. ۴۶).
چگونگی تحدید تأکید و تضمین امنیت اقتصادی با این قاعده: اقرار دارای شرایطی مانند عقل، بلوغ، قصد و اختیار است. اگر فرد با وجود این شرایط اقراری کند، چه در مسائل اقتصادی و چه در مسائل دیگر، اقرار او مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و ترتیب اثر داده می‌شود. این امر در امور اقتصادی بسیار حائز اهمیت است و آثار متعددی برای مالک اصلی و متصرفان بعدی دارد، که در وهله اول، عدم مسئولیت مالک در صورت احراز اقرار و عدم معاقبه متصرفان در مال و سرمایه موضوع له پس از تحقق اقرار را به دنبال دارد.

ت. قواعدی که امنیت و آزادی اقتصادی افراد را محدود می‌کند

برای کشف مهم‌ترین گزاره‌ها، نیاز است که دسته دیگری از قواعد فقهی نیز بررسی شود؛ قواعدی که محدودیت‌هایی را بر موارد فوق تبیین می‌کنند. با دقت در این محدودیت‌ها، تشخیص مهم و مهم ممکن می‌شود و می‌توان دریافت کدام گزاره از بیشترین حمایت و صیانت برخوردار است و می‌تواند عنوان مرجع امنیت را در این بعد و سطح به آن اعطا کرد. قواعدی که چنین محدودیت‌هایی را تبیین می‌کنند به این شرح است:

قاعده حرمت اسراف

معرفی قاعده: یکی دیگر از قواعدی که آزادی و اختیار اقتصادی انسان و به عبارتی، سلطنت او بر اموالش را محدود می‌کند، قاعده حرمت اسراف است. در اسلام، با وجود مشروعیت مالکیت خصوصی، مالک اختیار تام ندارد که در غیر مصالح خود یا اجتماع، مال را مصرف کند، آن را از بین ببرد یا از آن استفاده نامشروع کند. البته، بحث حرمت اسراف به صورت مستقل و جامع مطرح نشده و تنها به بررسی نمونه‌هایی از آن مانند حرمت یا عدم حرمت زینت مسجد، اسراف در آب وضو، وجوب یا عدم وجوب آبیاری درختان و زراعت و مانند آن بسنده شده است. ظاهراً نخستین کسی که از حرمت اسراف به صراحت و به صورت قاعده عام یاد کرده، مرحوم نراقی در عوائد الایام است (هاشمی شاهرودی، ۲۰۱۰، ص. ۵۹).

چگونگی تحدید امنیت و آزادی اقتصادی با این قاعده: صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف و مصرف بی‌رویه، اصلی بسیار مهم در تحقق امنیت اقتصادی و حفظ زیرساخت‌های اقتصادی در سطح کلان جامعه اسلامی است که هم منابع اقتصادی و طبیعی جامعه را برای مسلمانان محفوظ نگه می‌دارد و هم با پابندی به آن، افراد از سرمایه‌های خود استفاده بهینه و عاقلانه خواهند داشت و امنیت مال و سرمایه خود را بیش از دیگران برای خود ایجاد می‌کنند.

قاعده نفی سبیل

معرفی قاعده: قاعده‌ای که آزادی و اختیار اقتصادی افراد را هدف قرار می‌دهد و آن را محدود می‌کند، قاعده نفی سبیل است. این قاعده به این معناست که هر عملی که سبب شود دشمنان دین یا غیرمسلمانان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان بیابند، حرام است. بنابراین، هیچ فردی نمی‌تواند به بهانه آزادی اقتصادی و حمایت اسلام از سلطه و مالکیت او، امنیت اقتصادی کل جامعه اسلامی را نادیده بگیرد و برخلاف مصالح جامعه مسلمانان اقدام کند (روزبه، ۲۰۱۸، ص. ۶).

چگونگی تحدید امنیت و آزادی اقتصادی با این قاعده: توجه به این قاعده در مقوله امنیت اقتصادی در سطح کلان و پیشبرد اهداف جامعه اسلامی بسیار حائز اهمیت و ستون تحقق امنیت اقتصادی برای جامعه اسلامی است؛ زیرا هرگونه رابطه‌ای در محیط اقتصادی که سبب تسلط و غلبه کفار و دشمنان اسلام بر مسلمانان شود، حرام است و نه تنها مخل امنیت اقتصادی، بلکه مخل تحقق و مشروعیت فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌باشد. دولتمردان و مسلمانان باید به این مهم توجه وافر داشته باشند، زیرا عامل اصلی تحقق امنیت اقتصادی، شناخت نقشه دشمن و مقابله با مبانی او در عرصه اقتصادی است.

قاعده حفظ نظام

معرفی قاعده: قاعده حفظ نظام از دو جنبه امنیت اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخست، این قاعده افراد را از تصرف و تسلط اموالشان منع می‌کند و تنها برخی از جلوه‌های تصرف مالک بر مالش را مجاز می‌داند. دوم، این قاعده افراد را برخلاف میل و رضایت قلبی به کاری وادار می‌کند که از آن با عنوان واجبات کفایی یاد می‌شود (موسوی بجنوردی، ۲۰۱۰، ج ۱، ص. ۱۹۴).

چگونگی تحدید امنیت و آزادی اقتصادی با این قاعده: حفظ نظام اسلامی مهم‌ترین مقوله در فقه اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) است که باید همواره به آن اهتمام فکری و عملی داشت. بدون شک از موارد مهم آن، تحقق امنیت اقتصادی، مشروع بودن فعالیت اقتصادی و اهتمام مسلمانان به مبانی و قواعد اقتصادی اسلام عزیز است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، همان‌طور که بیان شد، مفهوم امنیت اقتصادی مورد تدقیق و بررسی قرار گرفت و این مقوله با تکیه بر قواعد فقه امامیه بررسی شد. فقه، ضمن تضمین و پاسداری از امنیت اقتصادی، چه در عرصه فردی و چه در عرصه اجتماعی، همواره بر مبانی مهمی از جمله رعایت حریم اقتصادی افراد و پیشگیری از اضرار به خود و دیگران تأکید دارد و معتقد است که امنیت اقتصادی تنها ناظر به امنیت فرد و شخص حقیقی نیست، بلکه مسلمان باید همواره درصدد بسط امنیت اقتصادی برای جامعه بشری نیز باشد.

فقه امامیه با نگاه ژرف‌نگر خود، مباحثی را در راستای تحقق امنیت اقتصادی مطرح می‌کند که می‌توان با تحصیل آن‌ها، مسیر امن ساختن بستر حیاتی اقتصاد را تحقق بخشید و در عین سادگی و بی‌آلایشی، بزرگ‌ترین محیط رشد دنیای مادی بشری، یعنی مجموعه فعالیت‌های اقتصادی را از گزند عدم اطمینان بیمه کرد.

ما در این پژوهش مجموعه مختصری از قواعد فقهی شیعه را که هم تضمین‌کننده و هم کنترل‌کننده حریم اقتصادی فرد و جامعه است، تشریح کردیم و به وضوح بیان نمودیم که نگاه به امنیت اقتصادی زمانی بدون هزینه است که فرد نه تنها متضرر نشود، بلکه ضرری را هم به نام فعالیت‌های اقتصادی خویش به افراد دیگر یا جامعه تحمیل نکند.

بر مبنای دستاوردهای این پژوهش، می‌توان خلاصه‌ای از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی را به شرح زیر بیان کرد:

۱. حفظ و تقویت ایمان جامعه و انجام دادن تمهیدات و بسترسازی لازم توسط حکومت برای بالندگی و ارتقای آن در راستای دستیابی به امنیت جامعه.
 ۲. نفی هرگونه تعدی و تجاوز به حقوق فردی و عمومی و حرمت و مصونیت کامل مال و سرمایه افراد و محترم شمردن مالکیت خصوصی در مسیر وصول به جامعه ایمانی و حیات حسنه همراه با تلاش.
 ۳. رعایت اصول عدالت و انصاف و حاکمیت‌بخشی به آن‌ها در همه معاملات و دادوستدهای اقتصادی و وضع موازین عادلانه در معاملات.
 ۴. شکوفاسازی اقتصاد و توجه به تولید، کار و تلاش.
 ۵. توزیع سرمایه و جلوگیری از تمرکز و تکاثر ثروت.
 ۶. جلوگیری از پدیده منفور و ناامن‌کننده ربا.
 ۷. افزایش قدرت، توانمندی و اقتدار اقتصادی به عنوان یکی از اهرم‌های مهم دفاع در مقابل دشمنان و تهدیدکنندگان.
 ۸. جلوگیری از اسراف و تبذیر و مقابله با رفاه‌زدگی.
 ۹. حاکمیت‌بخشی به قاعده نفی سبیل در معاملات و مراودات اقتصادی.
- در جدول زیر، مفهوم امنیت اقتصادی در قواعد فقهیه به‌طور خلاصه آورده شده است.

جدول ۱. مفهوم امنیت اقتصادی در قواعد فقهیه

قاعده لاضرر	الف. قواعدی که تعرض به حقوق اقتصادی افراد را منع می‌کند (وجه سلبی)	مفهوم امنیت اقتصادی در قواعد فقهیه
قاعده احترام مال و کار مسلمان		
قاعده كلما بطلالعقد یتحقق اجرهالمثل		
قاعده وجوبالتخلیه بینالمال و مالکه		
قاعده ضمان ید یا علی‌الید	ب. قواعد ناظر بر لزوم جبران خسارت در صورت تعرض به امنیت اقتصادی افراد	
قاعده الغرور		
قاعده اتلاف		
قاعده تسلیط یا سلطنت	پ. قواعدی که امنیت اقتصادی افراد را مورد تأکید و تضمین قرار می‌دهد	
قاعده اسقاط		
قاعده اعراض		
قاعده اقرار		
قاعده حرمت اسراف		
قاعده نفی سبیل	ت. قواعدی که امنیت و آزادی اقتصادی افراد را محدود می‌کند	
قاعده حفظ نظام		

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

اخوان کاظمی، ب. (۱۳۸۲). عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام. بوستان کتاب.

اخوان کاظمی، ب. (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی. مطالعات قرآن و حدیث، ۱(۲)، ۱۸۳-۲۱۵.

<https://doi.org/10.30497/quran.2008.969>

افتخاری، ا.، و خورشیدی اطهر، ا. (۱۴۰۰). رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ تبیین و ارائه راهکاری برای آینده پیشرو.

مطالعات امنیت اقتصادی، ۱(۳)، ۱-۳۲.

ایروانی، ب. (۱۳۹۱). درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی. نصابیح.

بحرالعلوم، س. م. (۱۳۸۷). مصابیح الاحکام. فقه الثقلین.

- بیگدلو، م. و باقری، ع. (۱۳۹۴). نقش اعتماد و امنیت عمومی در توسعه پایدار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۸(۲۸)، ۱۵۷-۱۹۲.
- تمیمی آمدی، ع. (۱۳۶۱). غررالاحکم و دررالکلم. دارالکتاب الاسلامی.
- جهانبزرگی، ا. (۱۳۹۷). امنیت در نظام سیاسی اسلام. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- جهانیان، ن. (۱۳۹۵). امنیت اقتصادی از دیدگاه اسلام و راهبردهای آن. نور علم.
- روحانی، م. (۱۳۶۸). المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم). آستان قدس رضوی.
- روزبه، ح. (۱۳۹۷). امنیت اقتصادی؛ بعد فراموش شده امنیت ملی. دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- زارعشاهی، ا. (۱۳۷۹). بی ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی؛ و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران. مطالعات راهبردی، ۲(۷ و ۸)، ۲۲۱-۲۴۲.
- شیرینی زنجانی، س. ا. (۱۳۷۰). آراء الامامیه. دار زین العابدین.
- طباطبایی، س. م. (۱۳۶۰). المیزان فی تفسیر القرآن (موسوی همدانی، مترجم). بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۲). الزامهای خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی. دانشگاه تهران.
- محقق داماد، س. م. (۱۳۹۲). قواعد فقه. مرکز نشر علوم انسانی.
- مدنی تبریزی، ی. (۱۴۰۳ ق). درر الفوائد فی شرح الفرائد (جلد ۳). مکتب بصیری.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۹۲). القواعد الفقهیه (جلد ۲). اسلامی.
- موسوی بجنوردی، س. م. (۱۳۸۹). قواعد فقهیه. مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- موسوی خمینی، س. ر. (۱۳۷۲). ولایت فقیه. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هاشمی شاهرودی، س. م. (۱۳۸۹). درس خارج اصول. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.